

بررسی رابطه ولایتمداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج البلاغه

سید مهدی ساداتی نژاد^۱
علی رجبزاده^۲

چکیده

مفهوم سبک زندگی از موضوعات بسیار مهم در فضای اندیشگی امروز است و در میان مؤلفه‌های مهم تمدن‌سازی اسلامی، نیل به تحقق این مفهوم از طریق طراحی و تبیین و ترویج برای رسیدن به الگویی معتبر که بخشهای مختلف و شئون اجتماعی را در بر گیرد، نیازی جدی در پژوهشهای اسلامی است. با توجه به جایگاه سیاست، طراحی سبک زندگی سیاسی جامعه اسلامی از اولویت برخوردار است. **اهداف:** محققان در این مقاله در صدد بودند با توجه به آموزه‌های نهج البلاغه، به عنوان یکی از ارزنده‌ترین منابع اسلامی در طراحی اندیشه اسلامی، سبک زندگی اسلامی را در حوزه سیاست استخراج کنند. **روش:** در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی و چارچوب تفسیری علامه محمدتقی جعفری استفاده شده است. **یافته‌ها:** بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه، سبک زندگی سیاسی شهروندان جامعه اسلامی در سه سطح فردی، اجتماعی و نظام سیاسی، بر اساس اصل ولایت‌محوری موجب تحقق مسئولیت، عدالت، مشورت، وحدت و ایجاد تعادل بین فرد و اجتماع و نظام سیاسی برای دستیابی فرد مسلمان و جامعه اسلامی به حیات معقول و طیبه خواهد شد. **نتیجه‌گیری:** سبک زندگی متأثر از ولایت‌محوری، ما را به جامعه علوی نزدیک می‌کند و موجب پدیدار شدن سبک زندگی اسلامی با کارویژه‌هایی مانند خیرخواهی، مشارکت سیاسی، انسجام و وحدت اجتماعی، نظارت همگانی و مسئولیت‌پذیری افراد و حاکمیت در مقابل همدیگر می‌شود و در نتیجه، سبب هدایت و رستگاری می‌شود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی سیاسی، ولایت‌محوری، نهج البلاغه، تفسیر علامه جعفری.

◇ دریافت مقاله: 97/03/01، تصویب نهایی: 97/10/23.

1. دکترای علوم سیاسی، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران، خیابان انقلاب، دانشگاه تهران / نامبر:

Email: msadatinejad@yahoo.com 102166498576

2 دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران.

الف) مقدمه

«سبک زندگی»¹ به مفهوم جستجوی هویت و انتخاب فردی، تعریف ایستارها، ارزشها، موقعیت اجتماعی افراد، مسئولیت شخصی و ظهور آثار انتخابهای فرد در جامعه و شیوه‌های ارتباط و پیوند اجتماعی حاصل از فرایندهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. بحث «سبک زندگی» به ویژه از ابتدای قرن بیستم میلادی با مباحث طبقه و منزلت اجتماعی و توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان پیوند خورده و مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزشها، شیوه‌های رفتار، حالتها و سلیقه‌ها و روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ را به عنوان یکی از ابعاد پیشرفت و به منظور برخورداری از زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی در بر می‌گیرد (نظری، 1395: 18). گفتنی است که این تعریف، تصویر مناسبی از سبک زندگی را ارائه می‌دهد.

پیشرفت و توسعه با مفهوم اسلامی در نظام اسلامی، به ویژه بعد از انقلاب، مستلزم بررسی علمی و اصلاح سبک زندگی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن از بُعد اسلامی است. سبک زندگی از منظر اسلام هم که هدف انسان را رستگاری و فلاح و نجات می‌داند، از مسائل روز است. با توجه به اینکه هدف اسلام و به تبع آن انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی بوده و سبک زندگی، بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی است؛ لذا پیشرفت همه‌جانبه و تمدن‌سازی نوین اسلامی منوط به پیشرفت و اصلاح سبک زندگی، به ویژه در بُعد سیاسی است. پیشرفت در ابزارها، علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی و تبلیغ نمی‌تواند به تنهایی تمدن به وجود بیاورد؛ پیشرفت تمدن‌ساز در سبک زندگی، اعم از مسائل مربوط به خانواده، الگوی مصرف، تفریحات، خط و زبان، کسب و کار، رفتار در اجتماع و فعالیت سیاسی است. فرهنگ ضعیف کار جمعی، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، بد اخلاقی‌ها و پرخاشگری‌های سیاسی به ویژه در ایام انتخابات، بی‌احترامی به قانون و قانون‌گریزی، قبیله‌گرایی و رابطه‌سالاری، عدم رعایت حقوق فرد و جامعه و حاکمیت، اختلاسها و فسادهای بزرگ، مبتلابه جامعه ایرانی معاصر است؛ در حالی که اسلام بر اتحاد، تعاون، تقوا، قانون و کرامت انسانی تأکید کرده و در قرون 4-8 هجری، یکی از شکوهمندترین تمدنهای بشری را به پشتوانه آموزه‌های اسلامی ایجاد کرده است. تقلید محض و الگو قرار دادن غرب به خاطر پیشرفت ظاهری و فریبنده آن در دوره معاصر باعث به محاق رفتن آموزه‌های سیاسی اسلامی در بین مسلمانان و در نتیجه، نابودی هویت اخلاقی و فطری آنها شده است و نتیجه‌ای جز ضرر و فاجعه نداشته است. لذا پرداختن به موضوع سبک زندگی به طور عام و سبک زندگی سیاسی و تبیین آن در پرتو آموزه‌های نهج‌البلاغه به طور خاص، از اهمیت برخوردار است. تأکید رهبران جامعه بر اصلاح سبک زندگی در همه ابعاد، ضرورت پرداختن به این موضوع را در حال حاضر اثبات می‌کند. مقام معظم رهبری در جمع جوانان خراسان شمالی در مهرماه 1391 فرمودند: «اگر پیشرفت

83 بررسی رابطه ولایت‌مداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج‌البلاغه

همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، این تمدن دارای دو بخش ابزار و حقیقی و اساسی خواهد بود که سبک زندگی، بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد.

ب) پیشینه تحقیق

موضوع سبک زندگی در گذشته به صورت امروزی در اولویت نبوده است. با تحولات دوره جدید و اهمیت یافتن سبک زندگی، برخی از محققان کارهای علمی خوبی در حوزه کتاب انجام داده‌اند؛ ولی در حوزه مقاله، مطالبی که نوشته شده، عنوان سبک زندگی را به صورت کلی در نهج‌البلاغه مطرح کرده‌اند؛ از جمله مقاله علیرضا فاطمی با عنوان «سبک زندگی سالم در نهج‌البلاغه»، که بیشتر به توصیف پرداخته است. در حوزه پایان‌نامه‌ها، با مراجعه به ایرانداک¹ آنچه در این حوزه نگاشته شده بیشتر در مقطع کارشناسی ارشد است؛ مانند «سبک زندگی بر اساس آموزه‌های تربیت اخلاقی در نهج‌البلاغه» که شامل حوزه اخلاق است و نیز «سبک زندگی اسلامی در تعامل با دیگران از منظر نهج‌البلاغه» که باز مربوط به حوزه اخلاق حرفه‌ای است و نیز رساله «سبک زندگی اهل ایمان از منظر نهج‌البلاغه» که به مباحث اخلاقی پرداخته است.

اما در حوزه کتاب می‌توان به کتاب «سبک زندگی و آموزه‌های نهج‌البلاغه» تألیف حامد پوررستمی عضو علمی پردیس قم دانشگاه تهران اشاره کرد که توسط نشر معارف به عنوان کتاب درسی چاپ شده است. نویسنده سعی کرده مطالب نهج‌البلاغه را که امام علی(ع) در حوزه تعامل شخص با خود، خدا، دیگری و محیط زیست و دنیا ارائه کرده، با بیانی شیوا و جوان‌پسند بیان کند. این کتاب درسه بخش ساماندهی شده است. در بخش اول سبک زندگی نهج‌البلاغه، تمدن اسلامی را بیان کرده؛ در بخش دوم، مباحث نظری سبک زندگی را مطرح می‌کند و در بخش سوم، منش‌ها و مهارت‌های عملی در سبک زندگی آمده است. نویسنده در این کتاب، بیشتر به نمودار کلی و توصیف سبک زندگی پرداخته است.

کتاب «سبک زندگی در نهج‌البلاغه» (1391)، به قلم مصطفی دلشاد تهرانی، اثر جدیدی در این حوزه است. نویسنده در این کتاب از دو منظر کلی و جزئی به سبک زندگی پرداخته و با بررسی‌های انجام شده، به ده محور به مثابه ده فرمان در زندگی می‌رسد؛ مانند حریم‌داری، حفظ کرامت انسانی، پاسداشت حقوق و میانه‌روی و ... این کتاب در نوع خود اثر قابل تقدیری است و مطالعه مناسبی را ارائه می‌دهد.

کتاب *مفاتیح‌الحیاه*، متن حدیثی - رفتاری، اثر آیت‌الله عبدالله جوادی آملی است که به عنوان مکمل *مفاتیح‌الجنان* شهره شده و تأکید آن بیشتر بر روایاتی است که به رفتارهای فرهنگی - اجتماعی و حوزه

اخلاق و حقوق اجتماعی مربوط می‌شود. این کتاب در بهار 1391 توسط نشر اسراء منتشر شد. موضوعات این کتاب به پنج بخش موضوعی و فصول متعدد تقسیم‌بندی و بیش از شش هزار حدیث معتبر و متنوع در آن آورده شده است. مسافرت، امکانات زندگی، نظافت و بهداشت، لباس و پوشش، خواب و بیداری، صلۀ رحم، درآمد و مسائل اقتصادی، نگهداری حیوان، درختکاری و...، از جمله بخشهای این کتاب مفید و کاربردی و خواندنی است.

مفاتیح الحیاه پنج بخش و یک خاتمه دارد. بخش اول، تعامل انسان با خود؛ بخش دوم، تعامل انسان با هموعان؛ بخش سوم، تعامل مردم و نظام اسلامی، شامل: نظام سیاسی، نظام اجتماعی، شهرداری، امور اقتصادی و...؛ بخش چهارم، تعامل انسان با حیوان، شامل نگهداری حیوان، بهره‌گیری از حیوان، حقوق حیوان و... و بخش پنجم، تعامل انسان با محیط‌زیست، شامل محیط زیست، خاک، درختکاری، فضای سبز، باد و باران، دریاها، راه‌ها، مواد سوختی، گردشگری و... است. بخش خاتمه نیز شامل کارها در روزهای ماه قمری، سنتها و... است. در مجموع می‌توان گفت که سبک زندگی دینی و اسلامی طبق آیات و روایات در این کتاب بیان شده است.

مقاله حاضر نیز موضوع «سبک زندگی اسلامی - سیاسی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه و با روش‌شناسی علامه جعفری» را در سه ساحت فرد، اجتماع و نظام سیاسی و سبک زندگی اسلامی بررسی می‌کند.

ج) چارچوب تفسیری علامه جعفری

در تبیین بحث، کتاب شریف نهج‌البلاغه به سبب محتوای غنی در حوزه معارف اسلامی و مباحث سیاسی - اجتماعی و نیز جایگاه علمی آن، انتخاب شد. از سوی دیگر، نگاه عمیق علمی علامه جعفری در حوزه مباحث اجتماعی و جامعه‌شناسی نسبت به سایر مفسران نهج‌البلاغه و ارتباط آن با موضوع سبک زندگی، دارای رجحان بوده و بدین سبب از نظرات ایشان نیز استفاده شده است.

علامه جعفری، نهج‌البلاغه را با محوریت منابع و استنادهای تفسیری شرح و تفسیر کرده است. در این رویکرد نو، ایشان برای تفسیر نهج‌البلاغه به گزاره‌ها و منابعی مانند قرآن و بیانات امام علی (ع) در منابع دیگر استناد کرده و سعی داشته با تجزیه و تحلیل، بیانات امام را شرح و ابعاد دیگری از ژرفای کلام امام علی (ع) را بیان کند. علامه جعفری برداشتهای تفسیری خود را ابتدا بر تبیین کلام امیرالمؤمنین (ع) قرار داده و سعی کرده آن را بر اساس دیگر بیانات در نهج‌البلاغه توضیح دهد و از سویی نیز نقادانه سعی در موشکافی در بیانات نهج‌البلاغه دارد. علامه جعفری از قرآن به مثابه مهم‌ترین منبع و پس از آن، از روایات سایر معصومان (ع) و کلام خود حضرت به عنوان قراین کلامی به صورت تطبیقی و جامع استفاده کرده

85 **بررسی رابطه ولایت‌مداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج‌البلاغه**

است. در اینجا روش‌شناسی علامه جعفری با محوریت منابع و استندهای تفسیری دنبال می‌شود؛ مقصود از استندهای تفسیری، آن دسته از منابعی است که مفسر، آن را در تمامی متن مورد تفسیر به کار می‌گیرد.

آیات قرآن کریم از منابع مهم علامه در تفسیر نهج‌البلاغه است؛ ذکر آیات، بررسی و تفسیر آنها و بیان اقوال سایر مفسران، پرداختن به مجموعه آیات یا بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعی خاص همچون: کار و کوشش، جهاد، شناخت و عرفان از دیدگاه قرآن. از جمله کاربردهای آیات در تفسیر علامه عبارت است از: بررسی معنی و مفهوم یک واژه برای تأیید کلام امام علی (ع) یا گفتار خود مفسر، استفاده از مجموعه چندین آیه و استخراج نتیجه واحد یا نتایج متعدد. (فاحی‌زاده و مرادی، 1392: 99)

1. سیاست و نقش آن

واژه سیاست معانی بسیاری دارد؛ از جمله: حکم راندن، ریاست کردن، اداره کردن، مصلحت کردن، تدبیر کردن، عدالت، داوری، تنبیه، نگهداری و حراست (رنارد، 1385: 26). به لحاظ اصطلاحی نیز دارای معانی متنوعی است که هم اندیشمندان غربی و هم اندیشمندان اسلامی بدان پرداخته‌اند.

یک (ک) سیاست در دیدگاه اندیشمندان غربی

در اندیشه مغرب‌زمین، سیاست بیشتر به جنبه قدرت آمرانه تعبیر شده و نگاه تجربی و مادی و این جهانی آن پررنگ است. محققان و متفکرانی از جمله: هارولد لاسول، چارلز مریام، ماکس وبر، برتراند راسل و هانس مورگنتا، بر سرنوشت پویای سیاست تأکید کرده‌اند و معتقدند قدرت، مفهوم اساسی سیاست است و همه شاخه‌های علم سیاست را به هم پیوند می‌زند. برای مثال، لاسول در تعریف علم سیاست گفته است: «علم سیاست به صورت یک نظام تجربی عبارت از مطالعه چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهم شدن در آن است». مهم‌ترین عنصر تعیین و اجرای سیاسی، قدرت است و شناخت آن وظیفه اصلی و اولیه علم سیاست است. قدرت، هسته و مرکز ثقل سیاست را به وجود می‌آورد و همه کشاکشها در زندگی سیاسی، به قدرت مربوط است. سیاست «توزیع آمرانه ارزشهاست» که به ایستون تعلق دارد و انتزاعی‌ترین مفهوم سیاست است و سرانجام، نوعی، «خود تعریفی» از سیاست ارائه می‌کند: «همه آن فعالیت‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم با کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت دولت و استفاده از قدرت دولت همراه است». اگر بخواهیم تعریف فراگیرتری از سیاست در اختیار داشته باشیم، می‌توانیم آن را چنین تعریف کنیم: سیاست، رهبری صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد، گروهها و احزاب و کارهای حکومتی در داخل یک کشور، و روابط میان دولت با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی است. (عالم، 1383: 89)

برخی از متفکران سیاسی به درستی برای سیاست ابعاد مختلف قائل شده‌اند. جوهر سیاست، طبیعت خاص و معنی حقیقی آن این است که همیشه و همه جا دوجنبتین است. تصویر ژانوس، خدای دو چهره، مظهر حقیقی دولت است؛ زیرا ژرف‌ترین واقعیت سیاسی را بیان می‌کند. دولت و به صورت وسیع تر قدرت سازمان‌یافته در یک جامعه، همیشه و همه جا در عین حال که ابزار تسلط برخی از طبقات بر طبقات دیگر

است و طبقات مسلط به سود خود و به زیان طبقات زیر سلطه از آن استفاده می‌کنند، وسیله‌ای است برای تأمین نوعی نظم اجتماعی و نوعی همگونی علیه افراد اجتماع در راستای مصلحت عمومی. سهم این یا آن عامل بر حسب ادوار، موقعیتها و کشورها تغییر می‌کند، ولی همیشه این دو با یکدیگر همزیستی دارند. (دوورژه، 1386: 54)

دو سیاست در اندیشه سیاسی مسلمانان

فارابی الگوی اندیشه و نظام سیاسی را مدینه فاضله بر اساس بنیادهای فلسفی و سیاست را حاصل خدمات حاکم به مردم به منظور رسیدن به سعادت می‌داند. فارابی از علم مدنی یاد می‌کند که هدفش بحث در افعال و رفتار و ملکات و اخلاق است و اینکه رواج این افعال در میان مردم توسط حکومتی امکان‌پذیر است که «تنها به نیروی خدمت و فضیلت» به چنین کاری دست می‌زند. به نظر وی، این خدمت عبارت است از پادشاهی و فرمانروایی و حاصل این خدمت، سیاست است. غایت علم سیاست یا علم مدن، بحث در سعادت عملی آدمی است؛ یعنی برقراری ملکات و اخلاق در آدمی و خدمت دولت در پایداری از آنها و همین خدمت، سیاست است. پس سیاست، تأمین سعادت آدمی است (فارابی، 1379: 64). ولی آنچه از مفهوم سیاست در این تحقیق مد نظر است، نگاه اسلامی بدان است؛ از جمله اینکه امام خمینی بیان می‌کنند: «سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آن جایی که صلاح جامعه و صلاح افراد است. این در روایات ما برای نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ با لفظ سیاست ثابت شده است. همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می‌شود و ما در نماز می‌گوییم: «اهدنا الصراط المستقیم» و از خدا می‌خواهیم که ملت و اجتماع و اشخاص را راه ببرد به یک صراط مستقیمی که از این جا شروع می‌شود و به آخرت ختم می‌شود و الی‌الله است. این سیاست مختص به انبیا و اولیا است... انبیا شغلشان سیاست است و دیانت همان سیاستی است که مردم را از این جا حرکت می‌دهد و به همه چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است، هدایت می‌کند». (امام خمینی، 1384: 57)

سیاست از دیدگاه اسلامی، بخشی از منظومه منسجم اندیشه اسلامی تلقی می‌شود و رویکرد مسلمانان به آن، ریشه در وحی، سنت و سیره معصومین (ع) دارد. از دیدگاه علامه جعفری، «سیاست عبارت از مدیریت حیات انسانها، چه در حالت فردی و چه در حالت اجتماعی، برای وصول به عالی‌ترین هدفهای مادی و معنوی است». (جوادی، 1377: 78)

نکته مهم اینکه، سیاست دینی (به مفهوم تدبیر و رعایت صلاح جامعه) باید همواره مد نظر باشد؛ اگر در مقابل کسانی که انفکاک دین و سیاست را تبلیغ می‌کنند، معتقد به سازگاری و بالاتر از آن آمیختگی دین و سیاست هستیم. باید توجه داشت که این نکته به معنای «سیاسی کردن دین» نیست، بلکه مقصود تبدیل سیاستهای شیطانی و حیوانی به سیاست دینی است. به تعبیر دیگر؛ در تعارض میان حقیقت و مصلحت و در تعارض بین اصالت نظام و اصالت ارزشها، آنچه باید مقدم باشد، تقدّم ارزشها و شاخصه‌های دینی و حقیقتها بر حفظ قدرت و حکومت است.

87 **بررسی رابطه ولایتمداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج‌البلاغه**

علامه جعفری در تعریف سیاست، به مبنای الهی آن توجه دارد: «سیاست به معنای حقیقی آن عبارت است از مدیریت و توجه و تنظیم زندگی اجتماعی انسانها در مسیر حیات معقول. سیاست با نظر به این تعریف، همان پدیده مقدس است که اگر به طور صحیح انجام بگیرد، با ارزش‌ترین یا حداقل یکی از با ارزش‌ترین تکاپوهای انسانی است که در هدف بعثت پیامبران الهی منظور شده و عالی‌ترین کار و تلاشی است که یک انسان دارای شرایط می‌تواند انجام بدهد. این همان عبادت با ارزش است که در اسلام به طور واجب کفایی مقرر گشته و در صورت انحصار اشخاص برآورنده و شایسته برای انجام وظیفه سیاست در یک یا چند انسان، برای آنان واجب عینی است. منابع اولیه اسلامی این ضرورت و ارزش را برای سیاست به طوری اثبات کرده است که دیگر جایی برای کمترین تردید نمی‌ماند که سیاست از واجب‌ترین عبادات و وظایف انسانهایی است که دارای شرایط هستند» (جعفری، 1395: 48).

2. سبک زندگی

سبک زندگی به مفهوم جستجوی هویت و انتخاب فردی، تعریف ایستارها، ارزشها، موقعیت اجتماعی افراد، مسئولیت شخصی و ظهور آثار انتخابهای فرد در جامعه و شیوه‌های ارتباط و پیوند اجتماعی حاصل از فرایندهای سیاسی، معادل واژه «سبک»، در زبان عربی تعبیر «سلوب» و در زبان انگلیسی «ستایل»¹ است. سبک زندگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد گفته می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری و معنای زندگی اجتماعی است و کنشها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود. به تعبیر گیدنز، مفهوم سبک زندگی به مثابه مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آنها را به کار می‌گیرد؛ چون نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران مجسم می‌سازد. (نظری، 1395: 26)

آلفرد آدلر از این اصطلاح برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد. سبک زندگی؛ هدف فرد، خودپنداره، احساسهای فرد نسبت به دیگران و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود (فیت، جی و گریگوری جی فیت، 1395: 18)

سبک زندگی بیانگر معنا و نیز تفسیر فرد در جریان عمل و زندگی روزانه است که هویت و فرهنگ جامعه در پرتو آن شکل می‌گیرد و تشکیل می‌شود. سبک زندگی پایه و اساس فهم شرایط فرهنگی موجود و تحولات پیش رو در این حوزه تلقی می‌شود و نشان می‌دهد که در بطن ارزشهای موجود در خرده‌نظام فرهنگی چه می‌گذرد. در واقع؛ با به کارگیری مفهوم سبک زندگی و تعمق در آن می‌توان از هنجارهای پنهان در اذهان، باورها و رفتارهای مردم یک جامعه سر درآورد و از جهت‌گیری‌ها و الگوهای موجود یا در حال شکل‌گیری، تفسیر واقع‌بینانه‌ای ارائه کرد. سولومون اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در

جوامع سنتی، انتخابهای مبتنی بر مصرف به شکل گسترده‌ای بر اساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود؛ در حالی که مردم در جوامع مدرن، آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی دارند که به نوبه خود، هویت اجتماعی را خلق می‌کند. (رسولی، 1382: 67)

برداشت‌گیدنز از مقوله سبک زندگی عبارت است از: تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنشها که افراد آنها را انتخاب کرده و کنشهای آنها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود. (خوشویس، 1394: 15)

مؤلف «کتاب دین و سبک زندگی» می‌نویسد: «سبک زندگی عبارت است از الگوی همگرا (کلیت نامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها، که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیحات (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود، ابداع یا انتخاب می‌کند. یا به اختصار: سبک زندگی، الگو یا مجموعه نظام‌مند کنشهای مرجح است» (مهدوی کنی، 1387: 84). سبک زندگی، تنها به جلوه‌های عینی رفتار، مانند الگوی مصرف یا شیوه گذراندن اوقات فراغت محدود نیست، بلکه باورها و نگرشهای افراد و گروه‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد (فاضل قانع، 1392: 16). سبک زندگی، به هدف زندگی وابسته است. اگر هدف کسی از زندگی، تأمین غرایز و امیال حیوانی باشد، سبک زندگی او با کسی که هدف او دستیابی به تعالی و سعادت است، تفاوت دارد. با توجه به «هدفمندی زندگی انسان» و بهره‌مندی او از «اراده و اختیار» است که می‌توان از ترویج و توصیه سبک زندگی اسلامی سخن گفت. از این رو، سبک زندگی اسلامی، تفاوت جوهری با سبک زندگی غیر اسلامی و مادی‌گرایانه دارد. البته باید به این نکته مهم توجه داشت که هیچ‌گاه نباید تصور کرد که می‌توان سبک‌های مطلوب زندگی را به صرف قانونگذاری و ابلاغ آیین‌نامه و امثال آن محقق ساخت. این سخن به معنای نادیده گرفتن نقش قوه فهریه یا قانونگذاری در این زمینه نیست؛ مقصود این است که نباید به اینها بسنده کرد و به آنها محوریت داد.

نکته دیگر آنکه، سبک زندگی اسلامی از این نظر که «سبک» است، به رفتار می‌پردازد و با شناختها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد؛ ولی به سبب آنکه «اسلامی» است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناختها باشد. بنابر این، در خصوص کمی‌سازی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و سنجش تأثیر و تأثر آنها در فعل و انفعالات فردی و اجتماعی دینداران، بر اساس مبانی صد درصد بومی و اسلامی، کارهای بسیاری باید به انجام برسد؛ زیرا کارهای انجام‌شده‌ای که حداقلی از استانداردهای پژوهشی را واجد باشند، کم شمارند. (ظہیری، 1392: 12)

در سبک زندگی اسلامی، تنها به دنبال ارائه متن روایات، آیات و زندگی‌نامه (ع) نیستیم؛ بلکه با استفاده از طرح «الگوهای فرهنگی اسلام» که در منابع دینی آمده است، باید به صحنه زندگی ورود پیدا کنیم. سبک زندگی دینی، سبکی است که الگوهای مطرح در آن، از ترجیحات دینی یا مبتنی بر مبانی دینی پدید آمده‌اند. به لحاظ عینی می‌توان درون هر نوع فرهنگ مبتنی بر مذهب و مکتبی، این الگوها را دنبال کرد. بدیهی است که در این تحقیق به دنبال سبک زندگی اسلامی هستیم.

89 **بررسی رابطه ولایتمداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج‌البلاغه**

سبک زندگی اسلامی در حوزه رفتارها و چگونگی آن و نحوه رفتارها بحث و بررسی می‌کند تا بتواند رهیافت مطلوبی را ارائه کند. وقتی از سبک زندگی بحث می‌شود، در واقع آنچه پردازش و بررسی می‌شود، سبک «زیستن» و «زندگی» است. با این حساب، لازم است قبل از بررسی «سبک زندگی»، مفهوم زیستن و زندگی به طور دقیق مشخص شود تا در گام بعدی، در خصوص وضعیت زندگی، سبک آن و... بحث و بررسی لازم صورت گیرد. لذا هر محقق در حوزه سبک زندگی، قبل از ورود به بحث، بایستی با مفهوم زندگی و زیستن آشنایی کافی و لازم را داشته باشد و بداند که بر اساس فرهنگ خودش، زندگی و زیستن چه مفهوم و چه نمادهایی دارد؛ در فرهنگ او، نمادها و علائم و مصادیق زندگی سعادتمند و زندگی شقاوتمند چیست.

روشن است که در این زمینه، تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ خودی وجود دارد. تعریف فرهنگ اسلامی - ایرانی از زندگی و خوب و بد بودن آن، بر اساس آخرت‌گرایی و نقش مزرعه بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی است، که هدف اصلی و زندگی واقعی است؛ درست در نقطه مقابل فرهنگ غربی که بر مبنای مکتب اومانیزم و لذت‌گرایی و هدف غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. این دو جهان‌بینی دقیقاً در مقابل هم قرار دارند و بی‌گمان این اختلاف دیدگاه، در بررسی وضعیت سبک زندگی و خوب و بد بودن آن و برنامه‌ریزی برای اصلاح آن، تأثیر تام و تمام خواهد گذاشت؛ چه بسا بر اساس دیدگاه اسلامی در بررسی سبک زندگی، توجه به برخی رفتارها و مصارف، مورد توجه یا حتی در اولویت باشد که در دیدگاه غربی توجه به آنها بی‌مورد بوده، اصولاً آنها را داخل در سبک زندگی نداند. به تبع این وضعیت، برنامه‌ریزی در خصوص اصلاح وضعیت سبک زندگی نیز کاملاً متفاوت خواهد بود.

3. **رابطه سیاست و سبک زندگی در نهج‌البلاغه**

نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم، جامع‌ترین میراث ارزشمند دنیای اسلام است. لذا از دیدگاه سبک زندگی نیز نکات متعددی را می‌توان در آن یافت. در این مقاله، مسئولیت‌محوری انسان مطرح می‌شود. بی‌شک انسان مؤمن به مبدء خلقت، خود را مسئول در مقابل نفس، جامعه و هموعان و خدای خویش می‌بیند؛ لذا در انتخاب سبک زندگی و زیستن به نحوی عمل می‌کند که به آرمانهایش وفادار بماند و از طرفی برای پرداختن به مسئولیت‌هایش لازم می‌بیند به سه مسئله مهم عدالت، نظارت همگانی و وحدت نیز وفادار باشد. طبق بیانات امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، عدالت سرچشمه خوبی‌هاست و باعث قرار گرفتن امور در جایگاه خود می‌شود. نظارت همگانی نیز در قالب امر به معروف و نهی از منکر، سبب تداوم و گسترش عدالت در جامعه و زندگی عموم مردم می‌شود. اگر مؤلفه‌های مسئولیت‌محوری، عدالت، مشورت و وحدت، ذیل منشور ولایت و ولایت‌پذیری قرار گیرند، نتیجه وضعی آن، رسیدن از ظلمات به هدایت است؛ آن‌گونه که در قرآن می‌فرماید: «الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور» (بقره: 286)؛ خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند و آنان را از تاریکی به نور می‌رساند. برای رسیدن به هدایت، ولایت الهی نقش اساسی دارد؛ ولی باید توجه داشت که هدایت به لوازمی نیاز دارد که از دیدگاه نهج‌البلاغه، چهار مؤلفه مذکور در رسیدن به آن ایفای نقش می‌کنند. این وضعیت جدید، انسان مسلمان را

دارای سبک زندگی همگون‌سازی شده با ولایت می‌کند. از سویی، تحقق ولایت به مؤلفه‌هایی مانند عدالت، مسئولیت‌محوری، مشورت و وحدت نیاز دارد. در این مقاله به توضیح این مؤلفه‌ها پرداخته، شرح داده می‌شود که چگونه انسان مسلمان برای رسیدن به هدف والای هدایت‌بایستی دارای سبک زندگی اسلامی با مؤلفه‌های سیاسی - اجتماعی باشد و از سویی، چگونه هماهنگی بین فرد و اجتماع می‌تواند به نظام سیاسی و نیز نظام سیاسی به فرد در رسیدن به این هدف کمک کند.

یک) مسئولیت‌محوری

در دیدگاه امام علی(ع)، انسان در مقابل خداوند و نیز مخلوقات خداوند، مسئولیت دارد. این جهان‌بینی باعث می‌شود فرد خود را رها شده نداند. او می‌داند که معادی وجود دارد و باید به سوی خدا بازگردد: «انا لله و انا الیه راجعون» (بقره: 156). علاوه بر این، انسان مؤمن در مقابل جامعه و هم‌نوعان هم وظیفه‌ای دارد. امام در خطبه شقشقیه می‌فرماید: «سوگند به خدایی که دانه را می‌شکافد و جانداران را می‌آفریند، اگر وضع حاضر نبود و اگر آماده شدن یاور و فشار جمعیت که تکلیف را تعیین می‌کند، نبود و اگر خدا از دانشمندان پیمان نگرفته بود که در برابر عوارض شکمبارگی ستمگران و گرسنگی بیچارگان نباید آرام بگیرند، من افسار مرکب خلافت را روی شانه‌اش می‌انداختم و کنار می‌رفتم (نهج‌البلاغه: خ 3). حضور حاضر، وجود ناصر و تعهد و پیمان الهی بر مبنای تقوای الهی، در کنار یکدیگر باعث می‌شوند انسان مؤمن مسئولیت و تکلیف پیدا کند. اگر هیچ دستور دینی دیگری در این زمینه نباشد، همین کلام امام علی(ع) در ایجاد مسئولیت الهی بر عهده انسان مؤمن کافی است و او را آماده جانفشانی در راه خداوند می‌کند.

در خطبه سوم در وصف متّقین می‌فرماید: «انسان با تقوا، نفس خویش را به عدل ملتزم ساخته و نخستین گام عدالت وی این است که هوای نفس را طرد و نفی کند» (مان) در نظر امام علی(ع)، جامعه‌ای که در آن عدل برقرار باشد، جامعه سالم است و خداوند از دانشمندان تعهد گرفته است که برای ساختن چنین جامعه‌ای تلاش و کوشش کنند و آن را بدون مسئولیت رها نکنند و همواره در راه دستیابی به آن باشند و در این میان، فرد مسئول، مهم‌ترین عنصر در تحقق چنین جامعه‌ای است. به عبارتی؛ اگر حکومت مسئول محور رفتار نکند، آن جامعه نمی‌تواند عدالت را در روابط اجتماعی مراعات کند و در نتیجه، سلامت جامعه دچار اشکالات جدّی می‌شود. بر این اساس می‌فرماید: «کار مردم به جز به شایستگی زمامداران سامان نمی‌یابد» و در جای دیگری در تبیین حاکمیت این حکومت فرموده اند: «همانا زمامدار، امین خدا در روی زمین و بر پا دارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است» (خوانساری، 1360: 236). آن بزرگوار به جدّ معتقد بود که عدالت انسانی، سرچشمه الهی و ریشه در ایمان دارد. به عبارت دیگر؛ عدالت اخلاقی را پایه و اساس عدالت سیاسی و اجتماعی می‌دانستند و از طرفی، امید به تحقق عدالت را در جامعه‌ای که ایمان و اخلاق و خداترسی و تقوا در افراد جامعه و رهبران سیاسی آن پرورش داده نشود، خیالی باطل می‌دانستند؛ همان مشکل همیشگی جوامع بشری که علت سلطه جابران و تبعیض و بی‌عدالتی‌ها نیز در طول تاریخ نیز از آن ناشی می‌شود. امام(ع) به جدّ معتقد بودند که باید به انسان‌سازی

91 بررسی رابطه ولایت‌مداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج‌البلاغه

پرداخت و به تربیت انسانهای عادل همت گمارد و زمام امور جامعه را به دست آنان سپرد تا بتوان به حاکمیت عدل و استقرار عدالت امیدوار بود؛ زیرا حاکم عادل و آگاه است که می‌تواند اعمال ولایت کند و با اینکه مسئول است، دیگران را نیز مسئول قرار دهد تا در جامعه اسلامی رابطه‌ای دو سویه بین رهبر و مردم برقرار شود؛ سبک زندگی‌ای که برخاسته از مسئولیت همگانی، مبدء تحول و رشد شکوفایی خواهد شد. امام علی(ع) به عنوان یک انسان مسئول، سرپرستی و زمامداری جامعه را عهده‌دار می‌شود. اما این مقام و منصب چند روزه حکومت و زمامداری را برای حفظ اسلام و جامعه مسلمین، برقراری امنیت و نیز اصلاح در جامعه و اجرای حدود و شریعت الهی می‌خواهند؛ چنانکه می‌فرمایند: «خدایا! تو می‌دانی که آنچه از ما رفت، نه به خاطر رغبت و علاقه برای قدرت و حکومت بود و نه برای به دست آوردن زیادتى از دنیای ناچیز، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود بنشانیم و اصلاح را در شهرهایت ظاهر گردانیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات را به امنیت برسانیم و حدود تعطیل شده‌ات را اجرا کنیم». (نهج‌البلاغه، خ 409)

ایشان در جای دیگر، هدف از پذیرش مسئولیت زمامداری خلافت را بر پاداشتن حق و از بین بردن باطل می‌دانند: «به خدا این را (نعین پاره خود امام) را از حکومت و امارت بر شما دوست‌تر می‌دارم، مگر اینکه به این طریق بتوانم حقی را بر پا سازم یا باطلی را از بین ببرم» (مان، خ 339). از این فراز از خطبه و بیان امام(ع) استفاده می‌شود که حکومت و زمامداری جامعه، فی حد ذاته از نظر ایشان ارزشی ندارد، بلکه حکومت و زمامداری باید وسیله‌ای باشد برای برقراری حق، و این بدون داشتن مسئولیت امکان وقوعی ندارد. امام(ع) خود را بنده خدا می‌خواند و مالک را به این امر توجه می‌دهد که من، که تو را به امارت مصر منصوب می‌کنم، خودم در ید قدرت لایزال الهی‌ام. خدا ناظر بر اعمال من و توس (نهج‌البلاغه: نامه 53). اشاره آگاهانه امام، متذکر توجه والی به فرامین الهی و خضوع او در برابر خداوند است. این گونه توجه، بندگی مستمر انسان در برابر خدا و تأکید به قوه ناظره الهی، عامل دوری انسان از توجهات نفسانی و کبر است.

دو عدالت‌خواهی

بحث عدالت در اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) مبحث بسیار گسترده و عمیقی است. در نگاه امام علی(ع)، عدالت رأس و هسته اصلی و به مثابه شیره ایمان و سرچشمه همه خوبی‌هاست: «العدل رأس الايمان و جماع الاحسان» (خوانساری، 1360: 230). در واقع؛ عدالت از یک سو با اعتقاد و اندیشه آدمی گره خورده و از سوی دیگر، جمع‌کننده خوبی‌ها توصیف شده است. بنابر این، ایشان محکک ایمان را بر اساس عدالت می‌داند و از دیدگاه وی، مؤمن کسی است که الزاماً از خصلت ناب عدالت برخوردار است و همواره بر مرکب عدالت حرکت می‌کند. اهمیت عدالت در نزد آن حضرت تا آنجاست که وقتی از ایشان می‌پرسند عدل برتر است یا جود، می‌فرماید: «عدالت، کارها را بر موضع خود می‌نشانند و بخشش، کارها را از جهتش خارج می‌کند. عدالت، سیاستگذار و تدبیرکننده‌ای عام‌المنفعه است؛ اما جود، کاری عارضی به نفع خاصگان. پس عدل، شریف‌تر و افضل است» (نهج‌البلاغه، 1374/الف: 406). به این ترتیب، امام(ع) عدالت را آنگونه که مشهور است، تعریف می‌فرماید: عدل آن است که هر چیز و هر کاری، در موضع شایسته خودش قرار گیرد؛ اما جود،

شیء را از جهت خودش خارج می‌کند. امام(ع) در مقایسه عدل و جود، عدل را ترجیح داده و استدلال کرده‌اند که جود و بخشش گرچه خصلتی ممدوح و قابل ستایش است، ولی همه جا کاربرد ندارد و همیشه نمی‌توان از آن یاری جست. چه بسا جود و بخشش، سبب بر هم زدن نظام عدالت در اجتماع شده و در کنار جود، ممکن است حقی از افرادی دیگر تضییع شود. اما در عدل چنین نیست. اگر حق واقعی هر انسانی داده شود، به احدی ظلم نشده و حقی از کسی ضایع نشده است. لذا عدل در سیاست، اجتماع، حکم و قضا و مسائل مالی حقوقی، کیفری و غیره، محوری عام است که همگان در پرتو آن در امان بوده، از تضییع حقوق خویش، احساس وحشت و اضطراب نمی‌کنند. در واقع؛ عدالت، قانون عام و مدیر و مدبری است که شامل همه اجتماع می‌شود؛ در حالی که جود این‌گونه نیست. پس عدالت برتر است. اصولاً آن حضرت بر اساس نگرش دین‌شناختی خود، اساس هستی را عادلانه می‌دانست؛ زیرا معتقد بود خداوند آن را بر پایه حق آفریده و حق در تفکر حضرت علی(ع)، مظهر و اسطوره مفاهیم راستی، پایداری و عدالت است؛ یعنی هیچ واژه دیگری همانند حق نمی‌تواند عصاره عدالت و راستی را نشان دهد. آن حضرت، جهان هستی را جهانی عادلانه تصور کرده که در آن، حق از میان رفتنی نیست و این عدالت در هستی و خلقت، باید در رفتار انسانها هم نمود داشته باشد. در قاموس امام، فصل خداوند بر مبنای عدالت است؛ چه در مقام خلقت و چه در مقام رفتار با بندگان خود. اینجاست که امام(ع) می‌فرماید: «خداوندی که در هر وعده‌ای که می‌دهد، صادق است و فراتر از آن است که بر بندگان خود ستم روا دارد، با آفریدگان خود به عدالت رفتار می‌کند و هر حکمی که می‌دهد از روی عدالت است» (نهج‌البلاغه، 1378: 567). در نگاه امام(ع)، منشأ و سرچشمه عدالت، در پرتو ایمان به خداوند است و دیگر فروع، از این اصل نشأت می‌گیرند. امام در این خصوص جمله‌ای کوتاه ولی جامع دارند. در خطبه‌ای که در اوایل خلافت ایراد کرده‌اند می‌فرمایند: «خداوند حقوق مقررۀ مسلمین را بر اخلاص و توحید استوار ساخته است» (نهج‌البلاغه، 1374: ب: 544)

شهید مطهری در این باره می‌گوید: «از نظر امام علی(ع) آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است. ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستمگر و روح آن کسی که به نفع او ستمگری می‌شود، راضی و آرام نگه دارد، تا چه رسد به ستمدیدگان و پایمال‌شدگان. عدالت، بزرگراهی است عمومی که همه را می‌تواند در خود بگنجاند و بدون مشکلی عبور دهد؛ اما ظلم و جور، کوره‌راهی است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی‌رساند» (مطهری، 1354: 113). استاد مطهری در جای دیگری پیرامون ابعاد و اهمیت عدالت اجتماعی امام علی(ع) چنین می‌نگارد: «بنابر این، امام علی(ع) بیش از آنکه به عدل از دیده فردی و شخصی نگاه کند، جنبه اجتماعی آن را لحاظ می‌کرد. عدالت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مورد توجه مولای متقیان بوده و آن را ناموس بزرگ اسلامی تلقی می‌کرده و از هر چیزی بالاتر می‌دانسته است و سیاستش بر مبنای این اصل تأسیس شده بود. ممکن نبود به خاطر هیچ منظوری و هدفی کوچک‌ترین انحراف و انعطافی از آن پیدا کند و همین امر، یگانه چیزی بود که مشکلاتی زیاد برایش ایجاد کرد و ضمناً همین مطلب، کلیدی است برای یک نفر مورخ و محقق که بخواهد حوادث خلافت علی را تحلیل کند.

93 **بررسی رابطه ولایت‌مداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج‌البلاغه**

علی(ع) فوق‌العاده در این امر تصلّب و تعصب و انعطاف‌ناپذیری به خرج می‌داد(مبو، 1372: 19). لذا می‌توان دریافت که عدالت اجتماعی و خاستگاه آن در منظر امام علی(ع) دارای چه ارزش و اعتباری است. در حالت کلی می‌توان تمام مصادیق عدالتی را که امام بر آنها تکیه و توجه دارد، در مقوله عدالت اجتماعی جای داد. بدیهی است که این شیوه در عدالت اجتماعی باعث شکل‌گیری نوعی سبک و سنت می‌شود که در عمل به سبک زندگی اسلامی می‌رسد.

سه) مشورت

امیر مؤمنان می‌فرماید: «دانشمندی که علم خود را پنهان کند، بدبوترین اهل قیامت برانگیخته می‌شود. هر جنبنده‌ای، حتی جنبندگان کوچک زمینی، او را لعنت خواهند کرد».(بروجردی، 1340: 451)

در جامعه اسلامی، مسئولیت متقابل انسانها نسبت به هم بدان حد است که مسلمانان برادران همدیگر خوانده شده‌اند و امیر مؤمنان در توضیح این برادری می‌فرماید: «خوک فی الدین من هداك الى الرشاد و نهاك عن فساد و اعانك الى اصلاح معاد»(خوانساری، 1360: 240)؛ برادر تو در دین، کسی است که تو را به راه رشد هدایت کند و از فساد بازدارد و به اصلاح آخرت یاری‌ات کند. در جای دیگر می‌فرماید: «علیک بطاعه من یامرک بالدين فانه یهدیک وینجیک»(همان)؛ بر تو باد به اطاعت کسی که تو را به دین امر می‌کند؛ که او تو را هدایت می‌کند و نجات می‌دهد. وقتی در جامعه‌ای که متدینین با هم برادرند و در هدایت همدیگر به خوبی‌ها و نیز نهی کردن از بدی‌ها مسئولیت دارند، بدیهی است که نوعی رابطه همدلی و مشورت نیز شکل می‌گیرد. در واقع؛ این تعامل دوسویه و چند سویه مانند سیستم عمل می‌کند و به صورت ارگانیک جامعه اسلامی را زنده و پویا نگه می‌دارد؛ لذا جامعه پویا و سرشار از پیشرفت و تعالی خواهد بود. مشورت در اداره امور و پرهیز از خودرأیی، از مؤکدترین کارها در راه و رسم مدیریتی امیر مؤمنان علی(ع) است. آن حضرت همچون رسول خدا(ص) با وجود برخورداری از مقام عصمت و طهارت و با آنکه از نظر علم و دانش، عقل و خردمندی و تدبیر و سیاستمداری در مرتبه‌ای قرار داشت که وی را از آرا و نظریات دیگران بی‌نیاز می‌ساخت، اما پیوسته مشورت می‌کرد و به کارگزاران خود می‌آموخت که چنین کنند(دشاد تهرانی، 1391: 247). واضح است که هر مدیری بایستی نظارت‌های مردم جامعه را مورد توجه قرار داده، در آنها اندیشه کرده و در نهایت تصمیم‌گیری کند. امیر مؤمنان(ع) اصرار داد که از دادن نظر مشورتی خودداری نکنند. در واقع؛ توجه به نظرات آنان، نوعی تن دادن به مشورت همگانی محسوب می‌شود. لذا امام علی(ع) یکی از راههای بر پا داشتن بهتر امور جامعه و نیز اصلاح آن را در آن می‌دانست که حکام، نظر مشورتی خیرگان و اندیشمندان جامعه را در نظر بگیرند: «در جهت استحکام و استوار ساختن اصول و پایه‌ها و روشهای اصلاحی کشورداری و بر پا داشتن اصولی که ملت‌های گذشته بر آنها تکیه کرده، با دانشمندان و اندیشمندان نظرخواهی و مشورت کن».(نهج‌البلاغه، خطبه 56)

چهار) وحدت

قرآن کریم مسلمانان را با تأکید، به وحدت دعوت کرده و از نزاع و اختلاف بازداشته است: «و از خدا و رسولش اطاعت کنید و نزاع نکنید؛ چون سست و مضطرب می‌شوید و نیرویتان تحلیل می‌رود. صبر کنید

که همانا خدا با صابران است» (انفال: 46). قرآن بعد از تأکید بر اطاعت خداوند و رسول الله (ص)، می‌فرماید: با نزاع و کشمکش در میان خود اختلاف ایجاد نکنید و در نتیجه، خودتان را دچار ضعف اراده مسازید و عزت و دولت و غلبه بر دشمن را از دست ندهید؛ چون اختلاف و تفرقه، وحدت را زایل کرده و قدرت و نیرو و شوکت شما را از بین می‌برد. خدا با صابران است و آنان را از ضعف و سستی حفظ می‌کند و صبر قوی‌ترین یاور انسان در شدايد و محکم‌ترین رکن در برابر سستی عزم و تحول اراده است.

امیر مؤمنان (ع) در نهج‌البلاغه شاخصهای وحدت را اصولی مانند توحید، اسلام، قرآن، پیامبر (ص)، دوستی اهل بیت (ع)، برادری اسلامی و حج معرفی می‌کنند (نهج‌البلاغه: خ 18). اهل بیت پیامبر خدا مایه وحدت و نماد اتحاد مسلمانان می‌تواند باشد؛ بدین سبب امام (ع) می‌فرماید: «انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمتهم واتبعوا اثرهم فلن یخرجوکم من الهدی» (همان: خ 97). از دیدگاه امام علی (ع)، اخوت عامل ضروری برای وحدت اسلامی است: «وانما انتم اخوان علی دین الله ما فرق بینکم الا خیث السرائر» (همان: خ 113). نگاه متعالی امام (ع) به وحدت، مایه رشد و شکوفایی شخص مسلمان است. وحدت در مبدء، وحدت در طریق و وحدت در معاد، مایه هدایت و تعالی از دیدگاه امام علی (ع) است. در واقع؛ وحدت در کنار ولایت‌پذیری مانند نخ تسیح جامعه اسلامی است که دیگر مؤلفه‌های سبک زندگی انسان مسلمان را در کنار هم با قدرت و هم‌افزایی نگه می‌دارد؛ به طوری که در نبود آن، هر مقدار هم دارای سبک زندگی خوبی باشیم، اما قدرت تحول‌زایی خاصی را تجربه نخواهیم کرد. اهتمام و عنایت حضرت علی (ع) به مسئله وحدت و انسجام اسلامی به حدی است که برای تحقق این مهم، از حق مسلم و منصوص خود - که همانا خلافت پس از پیامبر اکرم (ص) است - گذشته‌اند و می‌فرمایند: «آنگاه که پیامبر به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت با هم درگیر شدند؛ سوگند به خدا نه در فکر می‌گذشت و نه در خاطر می‌آمد که عرب، خلافت را پس از رسول خدا (ص) از اهل بیت او بگرداند یا مرا پس از وی از عهده‌دار شدن آن بازدارد» (نهج‌البلاغه، نامه 62). ایشان در ادامه، حفظ دین را عامل پذیرش حکومت عنوان کرده، تصریح می‌کنند: «پس، از خلافت برتافتیم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد (ص) را نابود سازند. پس بیم داشتم که اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن دیده، یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شماست. پس در میان آن آشوب و غوغا به پا خاستم؛ تا آنکه باطل از میان رفت و کشتی دین در ساحل امن آرامش، پهلو گرفت» (همان، خ 3).

د) جمع‌بندی

بحث «سبک زندگی» به مفهوم مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزشها، شیوه‌های رفتار، حالتها، سلیقه‌ها و روش نوعی زندگی فرد، گروه یا اجتماع است و از ابتدای قرن بیستم میلادی با مباحث طبقه و منزلت اجتماعی و توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان پیوند خورده و در نظامهای سیاسی غربی، یکی از ابعاد پیشرفت و برخورداری از زندگی راحت و امنیت روانی و اخلاقی است.

95 **بررسی رابطه ولایتمداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج‌البلاغه**

بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، انسان مسئول اعمالش است و در مقابل خدا و جامعه، مسئولیت دارد؛ به همین سبب، ولایت‌پذیر و ولایت‌محور است. لذا سبک زندگی ولایت‌پذیر بر اساس آموزه‌های کتاب شریف نهج‌البلاغه می‌تواند بازتولید و نشر بشود؛ گویی امروزین روزی امیرالمؤمنین بر کرسی خلافت است و ما مخاطب بیانات گهربار ایشان هستیم. بدیهی است ثمره چنین برداشتی از کلام امیر(ع)، بسیار شیرین و راهگشای حاکمان و سیاست‌پیشگان خواهد بود. سبک زندگی شخص مسلمان بر اساس مسئولیت الهی و ولایی شکل می‌گیرد. انسان معتقد به مبدء و معاد با انسانی که غیر خدامحور است، در ساختن سبک زندگی نیز تفاوت خواهد داشت. انسان مؤمن با به کارگیری عدالت، مشورت و وحدت، در ساختن جامعه‌ای مبتنی بر خدامحوری، دارای سبک زندگی اسلامی است که او را در رسیدن به هدف والای هدایت و رسیدن به منازل نور الهی کمک خواهد کرد. انسان خدامحور با توجه به چتر گسترده ولایت‌محوری، در این جهان رها شده نیست. هر سمتی که نگاه می‌کند، خداوند و ولایت الهی را می‌بیند: «فاینما تولوا فثم وجه الله» (بقره: 115). لذا وقتی عدالت را در زندگی به عنوان سبک می‌پذیرد، آن را با مبنای ولایت الهی به کار می‌بندد.


وحدت در حوزه هم‌افزایی نیروهای مؤمن، باعث قدرت هرچه بیشتر جامعه اسلامی شده، می‌تواند کمک شایانی در شکل‌گیری سبک زندگی انسان مؤمن ایجاد کند. مؤلفه‌هایی مانند دقت، به همراه مدیریت زمان و تنظیم عادلانه در امورات سیاسی - اجتماعی، می‌تواند جامعه اسلامی را در رسیدن به پیشرفت و تمدن نوین اسلامی کمک کرده و در نتیجه، سبک زندگی متأثر از ولایت‌محوری، ما را به جامعه علوی نزدیک می‌کند. تعامل سازنده بین فرد، جامعه و نظام سیاسی، موجب پدیدار شدن سبک زندگی اسلامی با کارویژه‌هایی مانند خیرخواهی، مشارکت سیاسی، انسجام و وحدت اجتماعی، نظارت همگانی و مسئولیت‌پذیری افراد و حاکمیت در مقابل همدیگر می‌شود. بر اساس تعالیم قرآنی، این سبک زندگی اسلامی که آمیخته به سیاسیات اسلامی است، موجب هدایت و رستگاری انسان می‌شود و از سویی، دنیایی می‌سازد که همه انسانها از آن بهره‌مند شوند، نه آنکه گروه‌های خاصی که به منابع قدرت و ثروت دست یازیده‌اند، امکان تلذذ و بهره‌جویی داشته باشند.

بدیهی است هنوز کارهای زیادی برای محققان این حوزه باقی مانده است؛ مانند مطالعه دولت و حکمرانی مطلوب بر اساس سبک زندگی اسلامی و مطالعه حوزه تمدن نوین اسلامی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه و تعمیم آن بر سبک زندگی اسلامی. به نظر نگارنده، متولیان و مدیران سیاسی باید فهم مبانی ولایت‌پذیری و توسعه آن بر اساس مبانی حکومت دینی را در اولویتهای خویش قرار دهند تا زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی فراهم آید.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. ترجمه عبدالحمید آیتی (1378). تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (1374). قم: مشرقین.
- نهج البلاغه. ترجمه و شرح سید علینقی فیض الاسلام (1374). تهران: فیض الاسلام.
- امام خمینی، روح الله (1384). حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی. [بی جا]: کوثر.
- بروجردی، سید حسین (1340). جامع الاحادیث الشیعه، ج 14. تهران: المطبعه المساحه.
- پوررستمی، حامد (1395). سبک زندگی در آموزه های نهج البلاغه. تهران: نشر معارف.
- جعفری، محمدتقی (1395). حکمت اصول سیاسی اسلام. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله (1394). مفاتیح الحیاه. قم: اسراء.
- جوادی، محمدرضا (1377). سکولاریسم یا حذف دین از زندگی دنیوی. قم: نشر فرهنگ اسلامی.
- خوانساری، سید جمال الدین (1360). شرح غررالحکم و دررالحکم. تصحیح سید جلال الدین ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
- خوشنویس، ناهید (1394). «رسانه و سبک زندگی». اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی و جامعه شناسی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (1391). سبک زندگی در نهج البلاغه. قم: پاتوق کتاب.
- دوررژه، موریس (1386). اصول علم سیاست. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: میزان، چ چهارم.
- رسولی، محمدرضا (1382). «بررسی مؤلفه های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون». علوم اجتماعی، ش 23.
- ظهیری، سیدمجید (1392). «روش شناخت سبک زندگی اسلامی». پژوهشهای اجتماعی اسلامی، ش 98.
- عالم، عبدالرحمان (1383). بنیادهای علم سیاست. تهران: نی، چ یازدهم.
- فارابی، ابونصر (1379). اندیشه های اهل مدینه فاضله. سید جعفر سجادی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- فاطمی، علیرضا (1393). سبک زندگی سالم در نهج البلاغه. همایش ملی سبک زندگی اسلامی و جایگاه آن در عصر جهانی شدن. سندج: دانشگاه آزاد اسلامی سندج.
- فاضل قانع، حمید (1392). سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی (با رویکرد رسانه ای). قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
- فتاحی زاده، فتحیه و لعیاء مرادی (1392). «آرای دانشمندان غربی در تفسیر نهج البلاغه علامه جعفری و روش شناسی علامه جعفری در برخورد با آن». پژوهشهای نهج البلاغه، ش 37.
- فیست جی و گریگوری جی فیست (1395). نظریه های شخصیت. یحیی سید محمدی. تهران: روان، چ چهاردهم.
- لوئیس، برنارد (1385). زبان سیاسی اسلام. ترجمه غلامرضا بهروز لک. قم: بوستان کتاب، چ دوم.

97  بررسی رابطه ولایت‌مداری و سبک زندگی سیاسی اسلامی در آموزه‌های نهج‌البلاغه

- مطهری، مرتضی (1354). سیری در نهج‌البلاغه. قم: دارالتبلیغ اسلامی، ج دوم.
- مطهری مرتضی (1372). عدل الهی. تهران: صدرا.
- مهدوی کنی، محمدسعید (1387). دین و سبک زندگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نظری، علی اشرف (1395). سبک زندگی و هویت در ایران. تهران: تمدن ایرانی.
- **Holly quran**
- **Nahj al-Balagha** (1999). Translated by abdoHamid ayati. Tehran: Islamic culture office.
- **Nahj al-Balagha** (1995). Translated by Mohammad dashti. Qom : mashreghayn.
- **Nahj al-Balagha** (1995). Translated and explained by feyzoleslam. Tehran: feyzoleslam.
- Alam , abdolahman (2004). **fundamentals of policy** , Tehran: ney Publication, eleventh ed.
- Borojoerdi , seyyed hossein (1961). **Jameol ahadisol shia**. Vol: 14. Tehran: masahah Publication.
- Delshade tehrani, Mostafa (2012). **Life style in nahjol balagheh**. Ghom: patoghe ketab.
- Duverger , maurice (2007). **intruduction a la politique**, translated by abolfazl ghazi, Tehran: mizan Publication, forth ed.
- Farabi , abunasr (2000). **utopian thoughts** , translated by seyyed jafar sajjadi, Tehran: print and publication organization.
- Fatemi , alireza (2014). **Pure Life style in nahjol balagheh**. National conference on Islamic life style and it,s place in the era of globalization; Sanandaj: Sanandaj Islamic azad university .
- Fazel ghaneh, hamid (2013). **Life style based on Islamic teachings (with media approach)** . ghom : television,s Islamic researches center Publication.
- Fattahi zadeh, fathieh and laya moradi (2013). **The ideas of western scientists on interpretation of nahjol balagheh explained by allameh jafari and his methodology**. Nahjol balagheh researches: N: 37.
- FEIST J, and Gregory j. feist (2016). **Theories of personality**. Translated by yahya seyyed mohammadi Tehran: ravan Publication.
- Imam Khomeini (2005). **Islamic State and jurisdiction in imam Khomeini,s thoughts** . [?]: kosar.
- Jafari, Mohammad taghi (2015). **The sagacity of islam,s political principles**. Tehran: The Institute for compilation and publication of allameh jafari, s Works.
- Javadi Amoli, Abdollah (2015). **Mafatih alhayat**. Ghom: Esra.
- Javadi, Mohammad reza (1998). **Secularism or omitting religion in life**. Ghom: Islamic culture office.

- Khansari, seyed jamaloddin (1981). **Sharhe ghorarolhekam and dorarol hekam** . Tehran: Tehran university .
- Khoshnevis , nahid (2015). **Media and life style**. The first international conference on social sciences and sociology.
- Lewis, Bernard (2006). **Islamic policy**. Translated by gholam reza behrooz lak, ghom: boostane ketab Publication.
- Mahdavi kani, Mohammad saeed (2008). **Religion and Life style**. Tehran: imam Sadegh University.
- Motahhari, Morteza (1976). **a glance at nahjol balagheh**; ghom: darol tableegh eslami Publication.
- Motahhari, Morteza (1993). **Divine justice**, Tehran: Sadra Press.
- Nazari , aliashraf (2016). **Life style and identity in Iran**. Tehran: Iranian civilization pub.
- Poorrostami, hamed (2015). **Life style in the teachings of nahjol balagheh**. Tehran: maaref Publication.
- Rasooli, Mohammad reza (2003). **The features of life style in television,s commercial** . Social sciences journal, N: 23.
- Zahiri, seyed majeed (2013). **The methodology of Islamic life style**.islamic Social researches journal, N: 98.

